

حذف معین

حادثه نبود، قطعی بود

3 گزینه در برابر

اصلاح طلبان است

در فضای سرد انتخاباتی که قرار است 27 خرداد برگزار شود، شورای نگهبان با رد صلاحیت دکتر معین و دکتر ابراهیم یزدی این فضا را تشدید کرد. هم رد صلاحیت معین و هم رد صلاحیت یزدی قابل پیش بینی بود، گرچه درباره معین کمتر از دکتر یزدی. آنچه شورای نگهبان انجام داد و طی اطلاعیه ای کودتائی خبر آن را در اختیار سیمای جمهوری گذاشت تا پخش کند، ادامه طرح تنظیم شده ایست که از آن بعنوان حکومت یکپارچه نام می برند، اما در اصل حکومتی سپاهی- امنیتی است. اشغال مجلس بخش مقننه این طرح بود و برگماری یک سردار سپاهی بخش مجریه آن. آنها، بی اعتناء به هر خطری که از خارج، کشور را تهدید کند، مصمم به اجرای این طرح تنظیم شده و تصویب شده در محفل مافیائی خود هستند. از آن چهار کاندیدائی که رسماً دارند (قالیباف، احمدی نژاد، لاریجانی، رضائی) هر کدام انتخاب شوند مطلوب طرح اند. گرچه در این میان یکی به رهبر نزدیک تر باشد و دو تا به جنتی و یا سه تا به مشگین. در این بخش رقابت آزاد است!

آنان، ضربه هولناکی را که در جریان انتخابات دوم خرداد 76 خوردند و شیرازه امور از دستشان خارج شد هرگز فراموش نکرده و نخواهند کرد. چنان از تکرار چنین رویدادی هراس دارند که بپیه دادن بهانه حمله نظامی به ایران را به تن مالیده اند تا مبادا مجبور نشوند بپیه انتخاباتی را که مردم در آن شرکت کنند به تن بمانند. انتخابات، حتی بموجب تحلیل جبهه مشارکت، نهضت آزادی و مجاهدین انقلاب اسلامی، اگر معین و یزدی هم تأیید صلاحیت می شدند به دور دوم می کشید و این بدلیل افعال عمومی در کشور است. اما شورای نگهبان، حتی این ریسک را هم نکرد و از وحشت امکان یک عکس العمل عمومی در آخرین روزهای انتخاباتی و ریختن مردم به پای صندوق های رای و درآمدن دکتر معین از دل آن، ترجیح دادند به چنین خطری دست نزنند! (همگان می دانند که در هر انتخاباتی که به دور دوم کشیده می شود، شمار کمتری از مردم شرکت می کنند و جناح راست می توانست رای ثابت خود را بصورت سازمانی به میدان آورده و کاندیدای خود را به پیروزی برساند.) بدین ترتیب، رد صلاحیت معین قطعی بود و همین نکته، تقریباً بصورت آشکار در سرمقاله شماره گذشته راه توده، با عنوان "دولت ائتلافی" منعکس شد.

آنچه در سناریوی قدرت سایه پیش بینی نشده و یا اگر پیش بینی هم شده بود، امیدوار بودند جلوی آن را بگیرند، به میدان آمدن هاشمی رفسنجانی بود. آنان از بیم به میدان آمدن غیر قابل پیش بینی مردم و دادن رای به دکتر معین، حتی برای شکستن رای هاشمی رفسنجانی هم حاضر نشدند صلاحیت معین را تأیید کنند.

آنان امیدوارند، نه تنها امیدوارند، بلکه قطعاً در روزهای آینده طرح هائی را در این زمینه به اجرا خواهند گذاشت که هرچه کمتر مردم در انتخابات شرکت کنند. این یگانه امکان برای پشت سر گذاشتن رفسنجانی و کربوبی است، چرا که آراء سازمان یافته آنان در آستانه برگزاری انتخابات و کنار رفتن سه تن از سرداران به نفع یکی از سرداران سرنوشت انتخابات را می تواند تعیین کند.

از آن پس، آنچه باید دنبال شود، سرکوب داخلی و بستن بازهم بیشتر فضای سیاسی و سپس گشودن آغوش به روی امریکا، به ادعای خنثی سازی خطر خارجی است. نه کروی از جمع آنان و در طرح تنظیم شده کودتائی آنها قرار دارد و نه هاشمی رفسنجانی در آن طرح به حساب گرفته شده بود. اولی را در موضع ضعف و قابل کنترل می دانند و دومی را رقیبی که پایگاهش در میان بخشی از روحانیون و جناح راست بسیار بیشتر از میان مردم است.

به این ترتیب، آن صحنه ای که در برابر می ماند، زیاد نا آشنا نیست:

1- یا اعتراض خاتمی به نقض قانون و عدم پذیرش برگزاری انتخابات، جلب افکار عمومی جهان و رفتن به سمت فشار سنگین افکار عمومی داخلی (در صورت خروج مردم از حالت انفعال و انتظار) که در اینصورت معین به قهرمانی ملی تبدیل خواهد شد.

2- کناره گیری و تحریم انتخابات با عناوین مختلف، که عملاً زمینه توجیهی- تبلیغی برخورد های خشن حکومتی را پس از انتخابات ممکن می سازد (تهدیدی که رهبر جمهوری اسلامی بعنوان تائید کننده طرح کودتائی حکومت سپاهی، عملاً در سخنرانی خود در کرمان آن را گفت)

3- تن دادن به بزرگترین نرمش های سیاسی و اعلام حمایت فعال از دو چهره ای که حسابشان از حساب چهار کاندیدای حکومت سپاهی جداست. در اینصورت باید دید ائتلاف و حمایت از عملی ترین و ممکن ترین گزینه چگونه ممکن می شود.

روزهای آینده، روزهای تصمیم گیری قطعی در باره این سه گزینه است. آنچه در ادامه و بصورت پیوست می آوریم، اشاره ای کوتاه به سوابق دکتر معین در جمهوری اسلامی است. نه به آن دلیل که معین را معرفی کرده باشیم، بلکه بدان جهت که دقیق تر دانسته شود که برای شورای نگهبان و طراحان حکومت سپاهی اساساً مسئله سابقه و خدمت و تعهد و اسلامیت و این حرف ها مطرح نیست. بحث بر سر قدرت مطلقه، سرکوب جنبش و رفتن به سوی سازش های بزرگ با امریکا است.

دکتر معین

سال ها وزیر علوم و شش سال نماینده مجلس از شیراز، اصفهان و تهران بود. وی داماد آیت الله دستغیب امام جمعه شیراز است که در موج ترور روحانیون سابقه دار و با نفوذ طرفدار و در خط آیت الله خمینی کشته شد. بنام مجاهدین خلق، اما تاریخ و اسناد نشان خواهد داد که همه آن ترورها از یک مرکز سری که بعدها حاکمیت جمهوری اسلامی را در دست گرفت هدایت می شد. ساده زیستی و پرهیز از تجمل و چاپلوسی قدرت از ویژگی های معین است.

او از پایه گذاران دفتر تحکیم وحدت اولیه بود و سپس از موسسان انجمن اسلامی جامعه پزشکی ایران شد. معین در پرسش و پاسخ های دوران اخیر انتخاباتی خود، درباره دلیل استعفای خویش از وزارت علوم گفت که چون قادر نبود از دانشجویان مظلوم یورش 18 تیر 78 دفاع کند استعفا داد.

البته آن استعفا را خاتمی نپذیرفت و معین تا سال 1382 در مقام خود باقی ماند. استعفای دوم او در اعتراض نسبت به مخالفت با اصلاح ساختار متمرکز آموزش عالی صورت گرفت.